

خواهیم بود. البته به دلیل افزایش قدرت خرید خانوار، امکان افزایش تورم ناچیز در جامعه (با کنترل مناسب نقدینگی) به دلیل گسترش سطح تقاضا وجود دارد، اما با اتخاذ سیاست همزمان افزایش نرخ بهره، مازاد نقدینگی مردم توسط سیستم بانکی جذب خواهد شد و تولید مازاد - در صورت آماده بودن شرایط تجاری بین‌المللی کشور - به بازارهای جهانی صادر می‌شود و از این طریق، به دلیل ثبات تورم در کنار رشد صادرات، به تقویت ارزش ریال کمک می‌شود. از طرف دیگر، با افزایش نرخ بهره، تمایل به فرار به ارزهای خارجی کاهش یافته که خود عامل مضاعفی برای تقویت پول ملی می‌باشد.

بازار در انتظار کارت‌های اعتباری

معمای چک پول

البته در شرایط رکودی فعلی دولت می‌تواند - به طور موقت - به واحدهای تولیدی یارانه بهره از محل بودجه پردازد.

در حال حاضر، براساس گزارش «اقتصاد ایران»، صادرات غیر نفتی کشور از رقم ۷/۵۳ میلیارد دلار در سال ۸۳ به ۱۸/۱۴ میلیارد دلار در سال ۸۷ رسیده که پیش‌بینی می‌شود با کاهش ۱۳ درصدی به ۱۶ میلیارد دلار در پایان سال جاری برسد. لذا به‌طور حتم روند کنونی تأثیر مثبت و به‌سزایی بر صادرات غیر نفتی کشور نخواهد گذاشت، اما امید است با سیاست جدید بانک و مالیات با تعادل نرخ بهره بانکی و تورم - و با تنازل فرار سرمایه‌ها - این مهم بهبود یابد. ■

سهیمه‌بندی اعتباری (Directed Credit) خلاصه می‌شود که چون عوامل بازار (عرضه و تقاضا) را در بر نمی‌گیرد، نامؤثر بوده و در واقع جزو بانکداری مرکزی نوین محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، رؤسای کل بانک مرکزی در ایران (و زیرمجموعه وی) توان مصون‌سازی دلارهای نفتی را ندارند و همیشه با افزایش درآمد نفت شاهد افزایش ریال در جامعه و لذا تورم در کشورمان بوده‌ایم.

تنزل سپرده‌گذاری

بنابر گزارش بانک مرکزی، سیاست بانکداری ایران در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ در رابطه با سپرده‌های بانکی با تغییراتی چند روبه‌رو شد که عمده آن به تغییرات سپرده‌های دیداری و غیردیداری برمی‌گردد. براین اساس، نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های دیداری در سال ۸۸ با ۳ واحد درصد کاهش به ۱۷ درصد تنزل یافته و این نرخ در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و یک ساله، هر کدام با یک واحد درصد کاهش به ترتیب به ارقام ۱۶ و ۱۵ درصد تنزل یافته‌اند. همچنین نرخ ذخیره‌های قانونی سپرده‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری نیز از ۱۵، ۱۳ و ۱۱ درصد به ارقام ۱۳، ۱۲ و ۱۰ درصد کاهش یافته‌اند. اما این کاهش صورت گرفته در حالی اتفاق افتاده است که در چند سال گذشته به دلیل کاهش شدید نرخ بهره بانکی، عملاً شاهد کاهش نرخ مذکور در سپرده‌های دیداری و غیردیداری در نظام بانکی کشور بوده‌ایم. همین امر، عامل مؤثری بود که در رکود هرچه بیشتر نظام وام‌دهی و وام‌گیری بانکی و به تبع آن کاهش تولیدات جامعه، نقش منفی گسترده‌ای ایفا نماید.

نکته با اهمیتی که در این میان وجود دارد، نظام خودتعدیلی نرخ ارز است که متأسفانه راه تنظیم آن در ایران بسته شده است، چراکه همین کاهش ارزش ریال، خود مشوقی بود برای صادرکنندگان کشور که در جهت ارزآوری و در نتیجه - به خاطر اختلاف رشد یافته مابین ریال و دلار - کسب سود بالاتر، اقدام به گسترش صادرات خود نمایند که متأسفانه به دلیل تثبیت نرخ ارز در کشور - که همواره مورد انتقاد کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است - این مکانیزم خودتعدیلی بازار ارز و صادرات کشور، هیچ‌گاه نتوانسته به سازوکار خود و البته وضعیت ارزی کشور سامان بخشد.

اوراق مشارکت

یکی دیگر از مکانیزم‌هایی که می‌تواند تأثیر شگرفی بر ارزش پول ملی داشته باشد، انتشار اوراق مشارکت در جامعه است که البته بنا بر مباحث قانونی بانکداری کشور دارای نکات منفی و مثبتی است که بررسی آن اهمیت دارد. در قانون اوراق مشارکت ذکر شده است که بانک مرکزی، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در چارچوب قوانین و مقررات بانکی، مجاز به انتشار

دلیل اصلی ترویج چک پول در بازارهایمان، توسعه نیافتگی نظام کارت‌های اعتباری کشور است.

سیاست‌های بانک مرکزی

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از مسائلی که تأثیر شگرفی بر ارزش پولی هر کشور دارد، سیاست‌های اتخاذ

در کشورمان همچون بسیاری از کشورهای دنیا، با رشد نظام بانکداری و مالی داخلی و بین‌المللی، صور گوناگونی از پول قابل مبادله رایج یافته که چک پول‌های اعتباری نمونه‌ای از این مقوله به شمار می‌آیند. یکی از مسائلی که در این زمینه اهمیت دارد، نقش و تأثیرگذاری پول‌های اعتباری در نرخ تورم و ارزش پول ملی است. در این بین، چاپ چک پول‌های اعتباری و همچنین ایران‌چک که در حال حاضر به صورت یکی از انواع رایج پولی جامعه شناخته می‌شوند، سبب رشد نقدینگی و همچنین به خاطر راحتی بیشتر در انجام مبادله و در نتیجه افزایش دست به دست شدن نقدینگی، سبب افزایش سرعت گردش نقدینگی



شده و البته اجرایی بانکداری مرکزی بر مسایل پولی آن جامعه است. متأسفانه با عنایت به قانون بانکداری کشورمان، بانک مرکزی ایران ابزار مدرن و گوناگونی در قبال اجرای سیاست‌های خود در بانکداری مرکزی کشور ندارد. با این وجود، آن طور که از سیاست‌های اتخاذ شده بانک مرکزی در سال‌های اخیر استنباط می‌شود، گستره عملیات بانکداری مرکزی در ایران بیشتر بر پایه و حوزه تغییر نرخ ذخیره قانونی سپرده بانک‌ها گردش دارد که البته هر از گاهی نیز شاهد عملیات بازار باز - به صورتی بسیار محدود با اوراق مشارکت منتشره خود - و تغییر نرخ تنزیل مجدد بوده‌ایم. ولی بانکداری مرکزی در کشورمان عمدتاً در

می‌شود که هر دو عامل - از آنجا که در کشور ما معادل پول منتشره در جامعه، تولید صورت نمی‌گیرد - به رشد تورم داخلی دامن می‌زنند. همچنین با توجه به این که رشد تورم، رابطه مستقیمی با کاهش ارزش پولی جامعه دارد، بدین وسیله شاهد کاهش ارزش ریال خواهیم بود، اما به دلیل آن که امروزه راحتی در مبادلات روزمره اهمیت بیشتری در مقایسه با ارزش داخلی پول پیدا کرده است، نمی‌توان روند چاپ پول‌های اعتباری را متوقف نمود. همچنین علاوه بر این، به دلیل آن که بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های پولی به صورت بالقوه قادر به حفظ و تثبیت وضعیت ارزش پول ملی است، می‌باید در شرایط فعلی پولی کشور، آنها را مورد بررسی قرار داد.

اوراق مشارکت با رعایت ضوابط مربوط می‌باشند. یکی از مشکلات مربوط به این مقوله، سود تعیین شده این طرح است، به طوری که براساس بسته سیاستی-نظارتی بانک مرکزی در سال ۸۸ سود اوراق مشارکت منتشر شده با نرخ علی‌الحساب و حداکثر معادل ۱۶ درصد در نظر گرفته شده است.

با توجه به این امر و با مقایسه سود تثبیت شده طرح مذکور با نرخ تورم جامعه - که براساس پیش‌بینی هیأت چشم‌انداز ماهنامه، معادل ۱۹/۸ درصد در پایان سال ۸۸ برآورد شده است - به راحتی درمی‌یابیم که به هیچ‌وجه حتی در صورت انتشار اوراق مشارکت، استقبال مناسبی از اوراق مذکور از سوی عموم مردم و سرمایه‌گذاران مالی جامعه رخ نخواهد داد، چرا که از به تأخیر انداختن مصرف آتی خود نه تنها سودی عایدشان نمی‌گردد، بلکه رقمی معادل ۳/۸ درصد در مبلغ سرمایه‌گذاری خود متضرر می‌شوند. با توجه به همین امر است که

اکثر قریب به اتفاق کارشناسان اقتصادی کشور به افزایش نرخ‌های بهره بانکی معتقد بوده و آن را در نظام بانکی کشور لازم‌الاجرا می‌دانند.

از آنجا که به هر حال افزایش نرخ بهره بانکی احتمال رکود تولیدی را - به دلیل عدم توان بازپرداخت واحدهای تولیدی در بدهی‌های معوق خود - افزایش می‌دهد، پیشنهاد می‌نماییم که بانک مرکزی همزمان نرخ بهره بانکی را متناسب با تورم افزایش دهد و در کنار آن مجوز انتشار اوراق مشارکت را به واحدهای تولیدی (خصوصاً بخش خصوصی) با نرخ‌های اندکی پایین‌تر از نرخ بهره بانکی بدهد. از این طریق، همگام با کاهش نقدینگی مصرفی - در هر دو روش - شاهد افزایش منابع بانکی و به تبع آن افزایش وام‌های تولیدی در جامعه خواهیم بود که بر این اساس، رشد تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدماتی، بدون شک به توسعه و ثبات ارزش پول ملی منجر خواهد شد. ■

ترکیه، الگوی اصلاح نظام پولی

از تورم ۱۲۰ درصدی تا تورم ۹ درصدی

سیاست‌های اقتصادی ترکیه که زمانی گرفتار نرخ‌های شدید تورمی بود، می‌تواند الگویی برای کشورهای نظیر ایران باشد.

کشور ترکیه با جمعیتی بالغ بر ۷۲ میلیون نفر، یکی از اقتصادهای قدرتمند قرن اخیر به شمار می‌رود، به طوری که رشد اقتصادی پایدار ۶ درصدی آن در ۵ سال اخیر رکوردی مثال‌زدنی برای بسیاری از اقتصادهای جهان به شمار می‌رود. ترکیه از کشورهایی است که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تورم شدید (Hyper Inflation) را تجربه نموده است، به طوری که نرخ تورم ترکیه در سال ۱۹۸۸ رقمی نزدیک به ۱۲۰ درصد بود که این نرخ با نوسان‌های پله‌ای خود، مجدداً در سال ۹۶ به ۱۱۰ درصد رسید. با افزایش شدت تورم، ارزش لیره ترکیه به شدت کاهش یافت و عملاً قدرت مبادله واحد پولی ترکیه از بین رفت. در آن زمان، یک بطری آب آشامیدنی و یک بلیط ورودی به سینما در استانبول، به ترتیب به قیمت ۳۰۰ هزار و ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار لیره در بازار کاملاً رسمی به فروش می‌رسید. با توجه به این امر، مشکلات بسیاری برای اقتصاد ترکیه به وجود آمد؛ مشکلات ناشی

سیاست‌های اقتصادی ترکیه که زمانی گرفتار نرخ‌های شدید تورمی بود، می‌تواند الگویی برای کشورهای نظیر ایران باشد.

از محاسبه صفرهای طولیل در حسابداری ملی و عدم توان پاسخ‌گویی لیره ترکیه به ارزش مبادلات جاری این کشور، مسئولان اقتصادی ترکیه را بر آن داشت تا به حذف ۶ صفر از پول ملی خود اقدام نمایند. اما نکته حایز توجه در این مسأله آن است که اقتصاد ترکیه قبل از تعویض واحد پولی ناکارآمد خود، اقدامات اساسی در کنترل تورم صورت داد و ظرفیت توریست‌پذیری خود را نیز به طرز چشمگیری افزایش داد. در حال حاضر و براساس آمار منتشره از سازمان ملل، رقمی بالغ بر ۲۷ میلیون و ۳۰۰ هزار



نفر توریست در سال ۲۰۰۷ از ترکیه بازدید نمودند که معادل ۱۹ میلیارد دلار، درآمد ارزی را به اقتصاد ترکیه تزریق کرده‌اند. به علاوه تحول شگرف صنایع در ترکیه در قرن اخیر، به گونه‌ای بوده که در حال حاضر، ترکیه به عنوان یکی از ۲۰ کشور صنعتی دنیا به حساب می‌آید. صادرات بخش نساجی در کنار پالایش نفت و صنایع غذایی به همراه قدرت صنایع خودروسازی و آرایشی-بهداشتی این کشور، مهمترین ارکان قدرت اقتصادی ترکیه به شمار می‌روند، به طوری که کل صنایع ترکیه، رقمی بالغ بر ۹۴ درصد ارزش صادرات این کشور را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین در اختیار داشتن سهم ۲۰ درصدی صنایع در اشتغال از دیگر نقاط قابل اتکای این کشور به حساب می‌آید. در حال حاضر، تورم ترکیه تک رقمی است و در کنار موفقیت‌های بخش صنعتی که همگی با حمایت از بخش خصوصی پدید آمده، به گسترش قدرت اقتصادی خود بر مبنای خدمات بانکی و مالی، ارتباطات و ساخت‌وساز پرداخته است.

اقتصاد ایران، متفاوت

اما اقتصاد کشورمان علیرغم منابع و پتانسیل‌های به مراتب بیشتر از کشوری چون ترکیه، کاملاً متفاوت با اقتصاد این کشور قرار دارد. در مقام مقایسه دو کشور، عدم توجه به بخش خصوصی در کنار حمایت‌های اندک و ناچیز از صادرکنندگان غیرنفتی از مواردی است که به عدم ثبات اقتصاد ملی ایران دامن‌زده است. عدم تعامل ایران با اقتصادهای پیشرفته که به کاهش ورود سرمایه به کشور - در کنار فرار سرمایه‌ها - می‌انجامد، معضل دیگری است که بر ثبات پول ملی ایران تأثیر گذاشته است. قلت ورود سرمایه به کشور منجر به رکود دیگری در تولیدات اقتصادی و صنعتی ایران شده است که همین امر در کنار مشکلات تراز بازرگانی کشور به کاهش نسبی تراز پرداخت‌ها منجر شده که نتیجه آن، چیزی جز کاهش ارزش پول ملی نخواهد بود. با توجه به این مسأله و البته درآمدهای ارزی حاصل از نفت که همواره سرپوشی بر سیاست‌های غلط ارزی ایران بوده، به هیچ‌وجه نمی‌توان وضعیت و چشم‌انداز مناسبی را برای اقتصاد ایران ترسیم کرد. در نهایت یادآور می‌شویم که برای رسیدن به رقبایی چون ترکیه که در حال دستیابی به پول قدرتمندی در اقتصاد بین‌الملل هستند، کاهش تورم، تغییر نظام ارزی کشور، انضباط پولی و مالی، تدوین قوانین جدید بانکداری و حمایت هرچه بیشتر از بخش خصوصی، مهمترین اقداماتی است که می‌باید هرچه زودتر در آنها تحولاتی اساسی پدید آورد. ■